

آینة

اطلاعات

حقوق شهروندی

● ازجمله حقوق شهروندی این است که شما از عملکرد دستگاه‌ها تصویر روشنی داشته باشید؛ برای مثال بودجه دولت، بیت‌المال ملت است. همه حق دارند بدانند این بودجه چگونه تقسیم می‌شود و سهم هر نفر از آن چقدر است؟ به‌همین‌خاطر حرکت اخیر دولت برای ایجاد شفافیت در بودجه کشور را می‌توان برآوری یکی از مطالبات ملت در تأمین حقوق شهروندی آنان دانست، اما هنوز تا رسیدن به نقطه مطلوب فاصله فراوانی وجود دارد. از جمله اینکه همه باید بدانند هر دستگاهی چه مقدار و به چه منظوری بودجه می‌گیرد و خروجی این هزینه چه فایده‌ای دارد؟ حتی نهاد‌های عمومی که زیر نظم دولت نیستند، اما زیر چتر حاکمیت فعالیت می‌کنند باید تصویر روشنی از عملکرد خود ارائه دهند. اینکه چقدر درآمَد دارند و چقدر مالیات می‌دهند و چقدر حقوق می‌گیرند.

آینة

شوآف به سبک‌ماری آنتوانت!

● ... اینها اما تمام دردهای زلزله‌زدگان نیست. درد اصلی شاید این باشد که تا همین دیروز خیلی‌ها دنبال سلفی گرفتن به آنجا رفتند و حالا دیگر پیدایشان نیست. حالا که تب سلفی سرد شده اما باز هم مثل همیشه تنها دانشجویان عضو گروه‌های جهادی، بسیج سازندگی و دستگاه‌های دولتی در صحنه مانده‌اند. مسئله ما و سلبریتی‌ها اما به همین جا ختم نمی‌شود؛ مسئله مهم‌تر این است که دوسان سلبریتی، گزارش دقیقی از نحوه هزینه‌کرد کمک‌های نقدی جمع‌آوری‌شده برای مردم زلزله‌زده در حساب‌های خود ارائه نمی‌دهند. کسانی که دیروز مثل خروس بی‌محل پیدایشان شد و مردم را نسبت به دستگاه‌های رسمی چون هلال‌احمر بدبین کردند، حالا نهن‌تها دیده نمی‌شوند که تمایل چندانی به حساب‌پس‌دادن هم ندارند! مسئله درباره «مادام زیلاکلام» اما خاص‌تر از اینهاست. فی‌الواقع، عملکرد او در مقایسه با دیگر سلبریتی‌های حاضر در این میدان، قیاس فشنگ و گلوله توپ است! بدان معنا که وی در خرابکاری روند امداد‌رسانی در تمام مراحل... چند سر و گردن از دیگران بالاتر قرار گرفته است. او هنوز نیاز به شوآف داشت، لذا تا هم‌اکنون سه‌میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان پول مردم را در حسابش نگه داشته و می‌گوید قصد دارد در اقدامی شیک و مجلسی، روستایی که خود آن را دهکده امید نامیده، در آنجا بسازد. زیلاکلام اما حالا هم دقیقاً نمی‌داند یا خودش چند - چند است، لذا همچون کودکی که از رویاهایش حرف بزند، ضمن اصرار بر اجرای این طرح می‌گوید: «برخی مسئولان با توجه به مقدار پولی که جمع شده، پروژه را دست‌یافتنی می‌دانند. یکی از استدلال‌هایشان آن است که من وسط کار می‌مانم و کار را نصفه‌ونیمه رها می‌کنم و مصیبتش می‌افتد گردن مسئولان!»؛ باین‌حال او دوست دارد با پول مردم، یادگاری از خود به جا بگذارد هرچند برخی زلزله‌زدگان در سمرای استخوان‌سوز این زمستان یخ بزنند!

کیم‌تون

عاملان نارضایتی ملت‌ازدولت برای روحانی چه‌خواهی‌دیده‌اند؟!

● نکته‌موردتوجه درمصاحبه‌اخیرارئیس‌جمهور، این بود که پس از آن روزنامه‌های زنجیره‌ای ژست منتقد به خود گرفتند، یعنی همان‌هایی که از ابتدای روی‌کارآمدن دولت تدبیر و امید در سال ۱۳۹۲ با انمودسازای حقایق جامعه و نیازهای اصلی آن سهم عمده‌ای در ناکارآمدی‌های بخش‌های مختلف دولت داشتند. حال پرسش این است که سمت‌وسوی ژست این روزهای زنجیره‌ای‌ها چه مقصدی را نشانه گرفته است؟... مسائلی نظیر بی‌کاری، تورم، رکود، نگاه و اعتماد به بیگانگان به‌جای اتکا بر فرزندان میهن و... دغدغه‌های عمده این روزهای مردم و منتقدان دلسوز هستند. راه درمان این معضلات نیز مشخص است: اقتصاد مقاومتی... آنها در پیوندزدن تمام مشکلات کشور به موضوع می‌نویسند که قرار نبود برجام مشکلات اقتصادی را حل کند. مردمستول «شرق» در مصاحبه با دهباشی به‌صراحت اقرار کرد که وظیفه روزنامه‌های زنجیره‌ای بزرگ‌کردن برجام بود، چراکه جامعه ایران نسبت به آمریکا و تعهداتش خوش‌بین نبود. این رویه روزنامه‌های زنجیره‌ای در دوره اصلاحات نیز به همان طریق بود. وقتی دولت خاتمی مقوله «توسعه سیاسی» را مطرح کرد، آنها چنان دولت در همان محدوده انتزاعی مشغول کردند که سال‌ها یکی پس از دیگری از دست رفت. از طرف دیگر همین عده به رئیس دولت اصلاحات القا کردند که منتقدان دولتش هر ۹ روز برای او بحرانی ساخته‌اند و همین دلیل خوبی برای نرسیدن به برخی اهداف می‌نمود؛ یعنی همین کاری که اکنون نیز صورت می‌گیرد که منتقدان را در حال بحران‌آفرینی برای دولت نشان می‌دهند! آرزوی روزنامه‌های طیف موسوم به اصلاح‌طلب کشاندن روحانی به مسیری است که خود رئیس‌جمهور بارها به آن اشاره کرده مبنی بر اینکه آن فضا و رقابت‌ها برای ایام انتخابات بود و اکنون زمان انجام وظیفه و خدمت به ملت است.

politics@sharghdaily.ir

دیپلماسی

پشت پرده حمله به عف‌رین در گفت‌وگو باهاکان تکین، سفیر آنکارا در تهران

کردها در منگنه ترکیه و روسیه



عکس:

رونق‌اف رشتنی، شرق

مازیار خسروی - لیل‌ا ابراهیمیان

سوریه این روزها چهارراه تلاقی قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای است. از سویی ترکیه تهدیدات خود را علیه گُردهای سوریه عملی می‌کند و از سی‌ام دی‌ماه عملیات «شاخه زیتون» را در شمال‌غربی این کشور برای بیرون‌راندن نیروهای نظامی کرد «یگان‌های مدافع خلق» آغاز کرده است و از سوی دیگر روسیه دل در جِراغ سیزی برای ادامه عملیات به آن نشان داده است. این در حالی است که تهران به‌عنوان متحد اصلی منطقه‌ای دمشق، با نگرانی، اوضاع جاری را زیر نظر دارد. مقامات عف‌رین بعد از گذشت یک هفته از شروع درگیری، در بیانیه‌ای از دولت سوریه خواسته‌اند به تعهدات خود در قبال عف‌رین عمل کرده و از مرزهای این کشور در برابر حمله ارتش ترکیه محافظت کنند. باوجوداین، هاکان تکین، سفیر ترکیه در تهران، تأکید می‌کند: «در شرایطی که ترکیه از «ی.پ.ک» و «پ.د.ی» ضربه خورده، کسی نباید انتظار داشته باشد که ما گونه دیگر خود را جلو آورده تا ضربه دیگری بخوریم». به‌این ترتیب دست‌کم در کوتاه‌مدت چشم‌اندازی برای پایان پیچیده و چندوجهی شرایط جاری دیده نمی‌شود.

همکاری کرده‌اند تنها ادعای ترکیه برای انجام عملیات نظامی است. ترکیه می‌خواهد جلوی تشکیل حکومت خودمختار را در نزدیکی خاک خود بگیرد، چون تا‌به‌حال شاهد هیچ‌گونه حمله تروریستی از طرف کردهای سوریه در داخل خاک ترکیه نبوده‌ای.

تنها هدف ما از این عملیات، تأمین امنیت ملی و امنیت نواحی ترکیه است وگرنه ما نمی‌خواهیم در داخل سوریه نظمی را ایجاد کرده یا روندی را پیش ببریم. گذشته از این، مناطقی که دست «ی.پ.ک» و «پ.د.ی» بودند با عملیات «سفر فرات» پاک‌سازی و آزاد شدند. برای این هدف پیش از ۷۰۰ حمله انجام شده است. وضعیت این‌طوری نیست که هیچ عملیات و تششی نبوده و ما یک روز صبح تصمیم گرفتیم که عملیات «شاخه زیتون» را انجام دهیم. این عملیات برای تضمین امنیت ترکیه انجام شده است. حفظ تمامیت ارضی سوریه برای ما اهمیت ویژه‌ای دارد و یکی از اصلی‌ترین اصول و رویکردهای ما نسبت به سوریه است، اما به این شکل نیست که بخشی از مردم سوریه تحت ستم باشند تا این تمامیت ارضی حفظ شود، بلکه این تمامیت ارضی باید با احقاق حقوق همه مردم سوریه حفظ شود. باید با «اتحاد دموکراتیک سوریه» که ظاهراً ادعا می‌شود ربطی به «پ.ک» ندارند، بعد از اینکه وارد شهر شدند، اولین کاری که کردند - که شاید در رسانه‌های ایران هم منتشر شد- این بود که در ساختمان‌های بلند، عکس‌های عبدالله اوچالان را نصب کردند. اینکه آمریکایی‌ها ندانند اینها چه کسانی هستند قطعاً ممکن است.

ما قطعاً هدف یا اندیشه‌ای برای اشغال سرزمینی نداریم که در آنجا سیستمی ایجاد کنیم. تنها هدف ما از عملیات شاخه زیتون رفع تهدیدهای تروریستی به خاک ترکیه است و اینکه بتوانیم آنجا را از این تهدیدها پاک کنیم. قطعاً عف‌رین از طرف مردم خودشان اداره خواهد شد. ترکیه به اندازه کافی وسیع است و ما نیاز نداریم خاک کشور دیگری را به خاک خود اضافه کنیم

علیه داعش همکاری جدی داشته‌اند. چگونه این گفته خود را با هم‌دیگر جمع می‌کنید؟ البته که این اتفاق افتاده است، درست است، چون سوریه این‌قدر به‌لحاظ وضعیت بحرّنج است که شبکه عجیب‌وغریبی از ارتباطات اینجا به وجود آمده است. اینها از یک طرف می‌گویند با داعش مبارزه کرده‌اند، اما از سوی دیگر با داعش همکاری هم داشته‌اند؛ برای مثال پیش از جنگ رقه بر اساس اطلاعاتی که بعداً به دست آمد، موافقت‌نامه‌ای بین اینها و داعش امضا شده که سه هزار داعشی به‌همراه خانواده خود در آن شهر زندگی می‌کردند و با چشم‌پوشی «ی.پ.ک» و «پ.د.ی» از شهر خارج شده و در جای امن ساکن شدند. «ی.پ.ک»، «پ.د.ی» یا «پ.ک» مبارزه با داعش را موضوع فرعی خود می‌دانند. اصلی‌ترین هدف آنها تشکیل منطقه‌ای تحت اختیار خود در شمال سوریه است. آنها با درک درستی که از حساسیت غرب، آمریکا و اروپا پیدا کرده‌اند می‌خواهند برای کسب مشروعیت خود از این فرصت [مبارزه با داعش] استفاده کنند. ما مدام به دوستان و متحدان خود در غرب گوشزد کردیم که در مبارزه با سازمان تروریست نباید با سازمان تروریستی دیگری همکاری کرد. این در درازمدت مشکلات دیگری را به وجود می‌آورد.

آقای سفیر به نکته خوبی اشاره کردند؛ اینکه گُردهای سوریه می‌خواهند حکومت خودمختار کردی در شمال سوریه تشکیل دهند. به نظر می‌رسد حساسیت ترکیه هم فقط روی همین است و این گفته که کردهای سوریه با داعش در دست‌کنند، این گفته چقدر صحت دارد؟

ما اصلاً چنین هدفی نداریم که بخواهیم منطقه حائل درست کنیم. برنامه ما این است که در آغاز مناطق مرزی خود و بعد کل سوریه به ثبات و صلح رسیده و از تروریست‌ها پاک‌سازی شوند. ما به راه‌حل‌های کوتاه‌مدت معتقد نیستیم. سوریه همسایه ماست و ثبات و امنیت در آنجا به منافع ملی ما کمک کرده و آن را تأمین خواهد کرد. ما مثل برخی از دوستان غربی که هر روز به دنبال هدفی کوتاه‌مدت هستند، اینکه روزی به دنبال ایجاد مناطق حائل، روزی به دنبال تقویت «ی.پ.ک»، «پ.د.ی» و روز دیگر برنامه دیگری داشته باشیم، نیستیم. ما برنامه و هدف جامعی داریم و آن ایجاد ثبات و امنیت در سوریه است. حرکت کلی ما بر این مبنا استوار است.

آ‌من پاسخ سؤال خود را ن‌گرفتم؛ آیا ترکیه برنامه‌ای برای عقب‌نشینی دارد یا اینکه می‌خواهد بعد از عف‌رین به سمت کوبانی یا به مناطق دیگر برود؟

ما قطعاً هدف یا اندیشه‌ای برای اشغال سرزمینی نداریم که در آنجا سیستمی ایجاد کنیم. تنها هدف ما از عملیات شاخه زیتون رفع تهدیدهای تروریستی به خاک ترکیه است و اینکه بتوانیم آنجا را از این تهدیدها پاک کنیم. قطعاً عف‌رین از طرف مردم خودشان اداره خواهد شد. ترکیه به اندازه کافی وسیع است و ما نیاز نداریم خاک کشور دیگری را به خاک خود اضافه کنیم. اما اگر گروه‌های تروریستی در اطراف ترکیه لانه کنند و بخواهند در خاک ترکیه تهدید ایجاد کنند، از موازین بین‌المللی استفاده می‌کنیم تا از حق خود دفاع کنیم. این حق هر کشوری است که بر اساس قوانین بین‌المللی از امنیت کشور خود دفاع کند.

آ‌من هم مطمئنم که ترکیه نمی‌خواهد بخشی از خاک سوریه را به طور رسمی به خاک خود ضمیمه کند. ما غیررسمی هم چنین هدفی را دنبال نمی‌کنیم. **آ‌من برنامه شما چیست؟ آیا هدف رسیدن به عف‌رین و پاک‌سازی آنجا از نیروهای کرد است؟** بله تهدیدهای تروریستی را در آنجا پاک‌سازی کنیم.

آ‌بعد به پشت مرزها عقب‌نشینی خواهید کرد؟ شاید اگر به عملیات سر فرات نگاه کنیم، نمونه خوبی باشد. ترکیه یک ن‌سوار دوهزارکیلومتری را از داعش پاک‌سازی کرد و ۳۰ هزار پناهنجوی سوری به آنجا برگشته و آموزش امنیت و تأمین امنیت به آنها داده شد و الان این مناطق دست مردم منطقه است.

این می‌تواند در این مناطق هم اتفاق بیفتد.

آ‌این قابل تعمیم به عف‌رین است یا به سمت کوبانی خواهد رفت؟

تهدید تروریستی از هر طرفی که به سمت ترکیه باشد، می‌تواند باعث شود تدابیر مشابهی در مورد آنجا اجرا شود و در این صورت کسی نباید تعجب کند. اما شما چند بار به کوبانی اشاره کردید؛ شاید بد نباشد بگویم که وقتی داعش آنجا را تهدید می‌کرد و به دنبال اشغال کوبانی بود، ما مرزهای خود را باز کردیم و پیشمرگه‌ها از شمال عراق وارد شدند و به کمک آنها آمدند و جلوی اشغال کوبانی را به دست داعش گرفتند وگرنه کوبانی اشغال شده بود. وقتی درباره آینده کوبانی هم سؤال می‌کنید، بهتر است این مسئله را هم پس ذهن خود داشته باشید. کسی که ما با او دوستی است، سؤال تأمل‌برانگیز دیگری که به دشمنی ما برخیزد، قطعاً نباید انتظار داشته باشد ما دشمنی او را نادیده بگیریم. در شرایطی که ترکیه از مناطقی که تحت اختیار «پ.د.ی» است، ضربه خورده کسی نباید انتظار داشته باشد که ترکیه گونه دیگر خود را جلو آورده تا ضربه دیگری بخورد. **آ‌ما برای ادامه جری روند این مسئله بحث کنیم** اما برای یادآوری این‌گونه که آقای سفیر می‌گویند، نبود، بلکه ترکیه مرزهای خود را به روی کمک به کوبانی بسته بود و فشار افکار عمومی جهانی به ترکیه- از جمله تظاهرات در تهران و شهرهای دیگر جهان علیه ترکیه - سبب شد مرز خود را باز کند. از منظرها کوبانی زمان زیادی گذشته و این اتفاقات هنوز در افکار عمومی زنده است.

(می‌خندد) ایرادی ندارد! وگرنه یکی، دو ساعت نیاز بود تا درباره مسئله کوبانی بحث کنیم.

آ‌نبرد در عف‌رین از اول ساده به نظر می‌آمد؛ برخی فکر می‌کردند ترکیه در چند روز عف‌رین را اشغال خواهد کرد ولی الان تلفات سنگینی به دو طرف وارد شده است. به نظر می‌رسد جنگ سخت‌تر از آنچه فکر می‌شد ادامه می‌یابد و از عملیات س‌ر فرات بلندمدت‌تر باشد.

«ی.پ.ک»، «پ.د.ی» درخصوص پروپاگاندا و تبلیغات و انتشار اخبار جعلی مهارت پیدا کرده‌اند. گفتم پیش‌تر ما نسبت به امر، معرفی ظرفی‌ت‌های منتشر می‌شود، با احتیاط برخورد کرد. در میان ما اینکه ترکیه تلفات سنگینی داده است، اصلاً وجود ندارد. این عملیات، عملیاتی نیست که با تصمیمی عجولانه انجام شده باشد. تنها ترجیح ما عملیات نظامی در آنجا نبود. ما با راه‌های دیگری هم می‌خواستیم این تهدیدها و رفتارها را در آنجا از بین ببریم ولی نشد. ما می‌توانستیم در مقابل تهدیدی که علیه ما بود ساکت بمانیم. ما در مقابل هر احتمالی آمادگی داریم و هیچ شکی به اینکه این عملیات با موفقیت به پایان می‌رسد، نداریم. باور داریم این عملیات به حفظ تمامیت ارضی این کشور و افزایش شانس موفقیت در حل بحران سوریه کمک خواهد کرد.

ادامه در صفحه ۱۵

ادامه از صفحه اول

گزارشی که هرروز باید خوانده شود

لازم به گفتن نیست که این میزان نارضایتی نشان می‌دهد، روند پیگیری مشخص‌شدن مقصر حادثه به سرانجام نرسیده است. بی‌توجهی و بی‌احترامی مسئولان ذی‌ربط برای خانواده‌ها عذاب‌آور بوده است. قطع‌شدن حقوق، آن‌ها را دچار مشکل کرده است و بلاکنلفی درباره شهید خوانده‌شدن آتش‌نشانان، به شدت مورد انتقاد خانواده‌ها بوده است. پلاسکو قاجعه‌ای بود که همدلی عظیم ملی را پدید آورد. مقام معظم رهبری پیام دادند، رئیس‌جمهور «هیبت ویژه گزارش ملی بررسی حادثه ساختمان پلاسکو» را تشکیل داد، یادداشت‌ها دراین‌باره نوشته شد، گزارش‌ها منتشر شد و بخش‌ها به‌گزارش دادند؛ اما یک سال پس از آن قاجعه بغض خانواده‌های بازماندگان آتش‌نشانان از بی‌توجهی‌ها و بی‌مهری‌ها می‌شکند. رئیس هیئت ویژه رسیدگی به پلاسکو در مقدمه گزارش این هیئت این پرسش را مطرح کرده است که «چرا حادثه پلاسکو مهم است؟». در پاسخ به این سؤال هم مواردی را ذکر کرده بود که امروز مشخص شده است باید یک مورد دیگر نیز به آنها افزود. پلاسکو مهم است؛ زیرا یک سال پس از آن قاجعه و با وجود ورود مسئولانه مسئولان عالی‌رتبه کشور هنوز ساختار اجرائی- ساستی کشور از ایجاد ارتباط و تعامل مؤثر با خانواده‌های بازماندگان و حل مسائل آنان ناتوان بوده است. هیئت ویژه پلاسکو پیام خود را «پلاسکو را فراموش نکنیم» عنوان کرد. امروز مشخص شده می‌توان پلاسکو را فراموش نکرد؛ درعین‌حال این حادثه برای زندگی ایرانیان تأثیرگذاری مثبتی نداشته باشد و حتی خانواده‌های آنان نیز از یاد ببرند. اینکه چرا توانایی و ظرفیت یادگیری ساستی را از حوادث و فجایع نداریم، پرسشی است که در مجالی دیگر به آن می‌پردازم؛ اما در اینجا فقط به یک حادثه تاریخی اشاره می‌کنم که باعث ایجاد قدیمی‌ترین تلفن اضطراری جهان (۹۹۹) در انگلستان شد. در دهم نوامبر ۱۹۳۵ در پی یک آتش‌سوزی در منزلی در مرکز لندن پنج نفر کشته شدند. همسایه‌های آن منزل که به دلیل شلغویی خانه تلفن تلاشی ناموفق در تماس با ایستگاه آتش‌نشانی داشتند، به سردبیر نشریه تایم نامه می‌نویسند و متولیان آن نشریه دولت را وادار به تحقیق می‌کنند. دو سال پس از آن اتفاق و در یک واکنش ساستی به حادثه آتش‌سوزی در ۳۰ ژوئن ۱۹۳۷ تلفن اضطراری در منطقه لندن ایجاد می‌شود. تبلور یادگیری ساستی در اقدام دولت وقت انگلستان به حادثه آتش‌سوزی را می‌توان مشاهده کرد که یک حادثه تلخ را به یک واکنش ساستی تأثیرگذار برای زندگی مردم خود تبدیل کردند. نکته آخر اینکه فجایع و حوادثی نظیر پلاسکو تأثیر عمیقی بر زندگی شخصی ما و حافظه جمعی جامعه دارند. دقت کنیم یادگیری ساستی از این‌اتفاقات نحوه تعامل با قربانیان این حوادث تأثیر جدی بر آرامش، اعتماد عمومی و امید اجتماعی دارد.

فرصت از دست‌رفته‌ایران در داووس

رویدادی که در نیمه دوم دهه ۷۰ و نیمه اول دهه ۸۰ ایران در بالاترین سطح یعنی مقام ریاست‌جمهوری، در آن حضوری فعال و مؤثر داشت اما از نیمه دهه ۸۰ تاکنون با بی‌تفاوتی و بی‌توجهی روبرو بوده و حضور ایران در این رویداد مهم، حداقلی و ضعیف است. سؤال تأمل‌برانگیز دیگری که در این زمینه مطرح می‌شود، این است که آیا مصلحتی بالاتر از این در شرایط کنونی وجود دارد که ایران با حضور مؤثر و فعال در مجامع بین‌المللی زمینه رفع محدودیت‌ها و محصوریت‌های رسمی و غیررسمی را از سر اقتصاد ایران فراهم کند؟ این حضور مؤثر و فعال ایران در اجلاس اخیر داووس نمی‌توانست اولین تجربه ساختار جدید وزارت امورخارجه باشد که اخیراً با هدف تقویت رویکرد اقتصادی در مناسبات خارجی ایجاد شده است؟ اگر بن‌بذیریم که امروزه کارکرد دیپلماسی عمومی در مقایسه با دیپلماسی رسمی و سنتی بیشتر و مؤثرتر است در شرایط حاضر راه فاعل نمایندند، مدیران، فعالان اقتصادی و تجاری دولتی و خصوصی نیز دیده نشد. ایران می‌توانست با حضوری فعال در این اجلاس، آن‌هم در بالاترین سطح سیاسی همراه با جمعی از مدیران شرکت‌ها و فعالان اقتصادی کشور، به‌صورت هماهنگ در فضای رسمی و حاشیه‌ای اجلاس همه تلاش خود را برای تغییر نگرش‌ها نسبت به ایران، معرفی ظرفی‌ت‌های اقتصادی فراهم کرد. رقبای منطقه‌ای ایران به‌ویژه با استفاده از نبود ایران همه تلاش خود را برای تخریب ایران و برجام به کار بردند. ایران با حضور مؤثر خود نه‌تنها می‌توانست این فضای ضایبارانی را بشکند بلکه در رویکردی ابتکاری، در جهت لطیف فضای عمومی نسبت به ایران حرکت کند.